

## نیم نگاهی حکومت به ولسوالی لعل و سر جنگل

اولین نیم نگاهی حکومت افغانستان به ولسوالی لعل و سر جنگل بعد از سزده سال حکومت آقای کرزی در فصل تابستان 1393 رخ داد! که اعمار سرک درجه دو، ولسوالی لعل که از کوتل خارقل الی کوتل یامه گک گرماب می باشد.

این سبقت و دست آورد را به همه هزاره های مناطق مرکزی، غوریها و مردم رنج دیده، زحمت کش، صلح دوست، تمدن پرور و مهربان لعل تبریک عرض می دارم! ولسوالی لعل و سر جنگل در (340) کیلو متری پایتخت و (140) کیلومتری مرکز غور، در دل سفید کوه و سیاه کوه، در میان دو شاخه ای دریای خروشان هریرود، در ارتفاع (2500) متری از سطح بحر و در شرق فیروز کوه مرکز غور (یعنی دروازه ورودی از پایتخت به غور) می باشد، این ولسوالی بیش از (170000) هزار نفر نفوس داشته و 76 باب مکتب که از آن جمله 18 باب لیسه ذکور و 9 باب لیسه نساوان، 23 باب متوسطه ذکور، 5 باب مکتب متوسطه انث و متباقی مکاتب ابتداییه به شمول لیسه مسلکی زراعت می باشد. مناطق پرنفوس و مشهور آن مرکز لعل، سفید آب، گرماب، قزل، خم شور، کرمان و تلخک می باشد، این مناطق به سر حد یک ولسوالی پر جمعیت بوده و در زمینه توجه بیشتری دولت مردان را خواهان است، این پروژه سرک پاداش اندکیست در قبال اینکه: ولسوالی مان در سالهای آخر امن ترین ولسوالی در سطح کشور و هم چنان مردم مان رعیت ترین و خوبترین رعیت بوده است، چنانچه تاریخ خود گواه می باشد مردم هزاره جات و لعل و سر جنگل در گرمی زمان سوختند و ساختند، اما رعیت بودن، در درازنای تاریخ این مرز و بوم هزارستان اولاد میهن پرست و غیرتمندی در دامانش پرورانیده است و برای خدمت به وطن تقدیم کرده است. در طی چندین سال گذشته دولت نگاهی را به این ولسوالی محروم و دور افتاده نکرده و از دیر باز است که ما شاهد هیچگونه کار های زیر بنای در این ولسوالی نبوده ایم و در عصر ما این اولین نیم نگاهی گرم دولت و حکومت در این ولسوالی می باشد. و ما هم در این عصر و برهه از زمان نیم نگاهی گرم حکومت را به فال نیک می گیریم! حال آنکه مردم این سر زمین هنوز هم از حد اقل امکانات معیشت زندگی برخوردار اند.

کهر بانعلی مهاجر



## حل معضله ی کوچیها یکی از اهداف اساسی حکومت وحدت ملی

تاریخ یکجا با پیدایش حاکمیت های قبیایلی پدیدار گردیده، و از زمان زمامداری امیر عبدالرحمان خان تا امروز به یک سیستم منظم چپاول گری دولتی و غصب زمین و دارایی غیر پشتون ها توسط مهاجمین کوچی که از جانب دولت ها حمایت و تمویل میشوند مبدل گردیده است، که روز تا روز بر ابعاد و اهداف آن نیز گسترش به عمل می آید. این نوع حیات خانه بدوشی که با هدف اشغال منابع حیاتی باشندگان دیگر مناطق، بصورت فصلی در ساحات معین جغرافیای انجام میشود، بیانگر وحشیانه ترین و عقب مانده ترین شکل و شیوه زندگی در کره زمین است،

بصورت طبیعی حیات کوچی ها با خصوصیات که فوقاً تذکر یافت، کاملاً دارای ماهیت سنتی و غیر قابل تغییر بوده، و در طول قرون متمادی، با پیروی از سنت های متحجر قبایلی، در یک دور بسته و تکراری به حیات خود ادامه داده، و فاقد روحیه تحول پذیری و تکامل میباشد، که هیچ تغییری را در زندگی روزمره خود به سادگی پذیرا نمیشوند. در زندگی این گروه آمیزش با مردم دیگر، چون میوه ممنوعه حرام، و حفظ اساسات حیات قبیلوی مقدس ترین ارزش زندگی محسوب میشود، که نباید از آن عدول کنند، و قبول هر نوع تغییر و تحول در زندگی برای آنها چون مرگ وحشتناک بوده، و بزرگترین افتخار ایشان، حفظ همان آداب و رسوم اولیه و چسبیدن به سنت های تغییر ناپذیر کوچی گری و پاسداری از آنها می باشد. اگر سوالی مبنی بر تغییر در زندگی این گروه به پیش آید، بزرگترین تغییر در زندگی آنها همانا تغییرات آب و هوا و اقلیم است که آنها را وادار به حرکت از یک منطقه به منطقه دیگر میکند و بزرگترین تحول هم کم و یا زیاد شدن رمه های مواشی آنهاست، یکجا با کهنه و یا نو شدن غرودی های شان و بس، در غیر آن تغییر و تحول در زندگی آنها یک امر محال و دور از تصور بوده و هیچ معنایی ندارد. طوریکه در فوق اشاره نمودیم، پیدایش این مرحله تاریخ در حیات جوامع بشری مربوط به هزاران سال قبل از امروز است، که مدت دوام این دوره نیز در حیات جوامع مختلف، متفاوت بوده و بیشتر به ... ادامه در صفحه 3

نقل و انتقالات غیر موضعی، فراگیر ترین و گسترده ترین شکل تحرکات جمعی انسانها در تاریخ میباشد که نقش بزرگی را در پروسه تکامل حیات انسانها ایفا نموده، و پویایی انسان را در جستجوی زندگی بهتر، با دست یابی به نعمات مادی طبیعت، و فراهم سازی زمینه های تعمیم تجارب کتله های مختلف انسانی، به نمایش گذاشته، و اساسی ترین بستر پیدایش تمدن هارا پی ریزی نموده است. این نوع نقل و انتقالات کتلوی که، در تاریخ موسوم به مهاجرت های اقوام، قبایل و نژاد های مختلف انسانی است، اکثرأ به استقامت های معین و بدون باز گشت به عقب تا پیدا کردن محلات مناسب و دایمی سکونت تداوم یافته، و در نهایت با اسکان یابی این مردم در یک ساحه معین و آمیزش آنها با مردم دیگر، حیات کوچی گری و مهاجرت ختم و مرحله بعدی و پیشرفته تر حیات اجتماعی، پدیدار میگردد، که بر اساس آن مجموع باشندگان کره خاکی ما، روزگاری را با این پدیده متروک تاریخ سرو کار داشته، و در مقطع معینی از و دشوار در جاهای مختلف امروزی، مسکن گزین گردیده، و به حیات تکاملی خود تداوم بخشیده اند.

اما کوچیگری های موضعی و غیر رجعی که، بصورت عنعنوی در بسا نقاط عالم منجمله کشور ما، از زمانه های دور تا امروز رایج میباشد، عبارت است از نقل مکان های مؤقتی در مواقع معینی از سال که، عموماً به شکل سکونت های فصلی بالای زمین ها و چراگاه های تحت مالکیت، خود آن مردمی که در یک محدوده معین جغرافیای امرار حیات مینمایند، و دارای محلات سکونت تابستانی (ایلاق) و زمستانی (قشلاق) میباشد تبارز مینماید، که همین اکنون نیز در حیات روستایی باشندگان شمال، مرکز و بعضی مناطق دیگر وسیعاً مروج بوده، و بخشی از طبیعت زندگی دامداری و زراعتی ایشانرا تشکیل میدهد.

### کوچیگری با ماهیت تجاوزی و غاصبانه زمین خواری با پاک سازی های قومی و نژادی:

این پدیده شوم عبارت است از هجوم های پلان شده قبایل کوچی خارج از محدوده جغرافیای متعلق به خود ایشان، با اشغال و غصب سرزمین های متعلق به دیگران که در افغانستان طی سده های اخیر...

از بین بردن معضله کوچیگری یکی از اهداف های حکومت وحدت ملی کوچی ها یا تحمیق شدگان اسیر در دام مناسبات قبیلوی حاکم در افغانستان و نقش کوچی ها در پروسه تداوم بازی های شونیستی و استعماری در کشور ما!

نگاهی به تاریخ تکامل جوامع بشری، در کره زمین به وضاحت نشان میدهد که کوچ نشینی و مهاجرت به مثابه یک ضرورت تکاملی در مرحله معینی از تاریخ تکامل حیات انسانها، جبراً وارد پروسه هستی و تکاملی بشر گردیده، که انگیزه اساسی آنرا جستجوی شرایط بهتر زندگی و دستیابی به موقعیت های مناسب در رابطه با شرایط جوی و منابع مواد مورد نیاز انسانها در طبیعت، و با هم عوامل خشونت بار ذات البینی میان خود انسانها، که منجر به بی جا شدن یک کتله توسط کتله های دیگر میشود، تشکیل میدهد، که عوامل فوق کتله های بزرگ و یا کوچک انسانی را جبراً وادار به نقل و انتقالات و مهاجرت ها به مناطق و استقامت های متعدد در روی این کره خاکی نموده، در نتیجه پدیده مهاجرت و کوچ نشینی را در مرحله معینی از حیات ایشان ضرورتاً به ارمغان آورده است. خصوصیات عمده این مرحله حیات انسانها همانا پیدایش و رشد حیات دامداری و انکشاف دامپروری با اهلی سازی حیوانات، شکل گیری مناسبات طایفوی و قبیلوی در جوامع انسانی بوده، و ضرورتاً با نقل و انتقالات دسته جمعی، یکجا بامواشی تحت مالکیت در فصل های معین هر سال، با در نظر داشت امکانات رهائی از تغییرات اقلیمی و دستیابی به منابع مواد غذایی موجود در طبیعت برای انسانها و مواشی، و با هم در تقابل و تصادم با قبایل و طوایف متخاصم، از یک منطقه به منطقه دیگر، به اشکال و شیوه های مختلف صورت میگیرد.

این تحرکات دسته جمعی بصورت کل سه شکل اساسی ذیل را دارا بوده اند.

الف- کوچ نشینی های موضعی و رجعی (رفت و برگشت های ثابت و موسمی در بین دو ویا چندین منطقه)

ب- کوچ نشینی های غیر موضعی و غیر رجعی (انتقالات کتلوی و مهاجرت ها به استقامت های مختلف و بدون برگشت)

ج- تهاجمات ویرانگر کوچیگری، با هدف غصب زمین و چراگاه، و پاک سازی های قومی و نژادی...

## معرفی ولایت غور که حسین فایز صمیمی محصل در پروگرام IAM OTTP وسال اول فارمسی پوهنتون دعوت

استان یا ولایت غور یکی از واحدهای اداری 34 گانه کشور عزیز ما افغانستان میباشد . این ولایت در سال های گذشته جز ولایت هرات بوده ودر سال 1342 هـ.ش. از آن جداشده ومنحیث واحدهای اداری جدید و مستقل درنقشه افغانستان قامت راست نموده . غور ولایتی است کوهستانی وبه همین خاطر اکثراً در قسمت تسمیه آن می گویند که غور از کلمه ( گر ) به معنای کوه گرفته شده که ( گر ) به مرور زمان به ( غر ) وکم کم به غور تبدیل شده است .

به راستی این سر زمین کوهستانی وصعب العبور است که دارای ارتفاع 1400 فـت یا 420 متر از سطح بحر میباشد . غور ولایتی است درمیان خراسان قریب به غزنین و غرجستان است اهالی آن در زمان حضرت علی (ع) بن ابی طالب (ع) شرف اسلام یافته وبه خط مبارک حکم حکومت گرفتند. که بـشتر بلاد آن کوهستان است وازاین رو آن را غور ، غرجستان ، و غرشتان میگویند . زیراکه درلغت غرجستان به معنای کوهستان است . که حکام غور بعد از غزنویه مشهور اند . غور ولایتی بین هرات و غزنه است ، که بلاد سرد سیر وپهناور است وبا این همه شهر مشهوری ندارد . وبزرگترین فاصله آن قلعه ای است که نام آن را فروز کوه نامند ومقر پادشاهان آنجاست . اگر نگاهی کوتاهی در تاریخ کشورمان وبه خصوص مسیر انتشار وپخش زبان پارسی داشته باشیم ، مبینیم که غور اولین سر زمین بود که مردان نام آور آن با زبان پارسی تکلم میکردند وشعر میسرودند . ودر هرس زمینی که حاکمیت داشتند این زبان ، زبان رسمی ودرباری آنان بود . که تخت نشین های مشهور دراین سرزمین حکومت کردند "

سلطان شهاب الدین : تخت نشین فروزکوه کسی بود که بر علاوه حاکمیت اش مروج زبان پارسی بوده است .

سلطان علاوالدین : شخصی است که به زبان پارسی شعر سرود .

سلطان غیاث الدین : همان است که امپراطوری غوری هارا تاهند رساند ، وزبان درباری هند را زبان پارسی ساخت .

اما" غور امروز سرزمینی شده که هیچ تحول وانکشاف در آن دیده نمی شود . غور امروز دریا دارد ولی برق ندارد ، آب دریا بدون هیچ استقاده از آن میگذرد غور امروز حتی یک متر سرک پخته ندارد . که از جمله ولایت های امن محسوب میشود . ولی : انکشاف وبازسازی دراین ولایت ازسوی دولت به فراموشی سپرده شده است .
**حدود اربعه ولایت غور** :غور ازلحاظ جغرافیایی محدود میشود به نه ولایت ، از طرف شمال با ولایت سرپل ، فاریاب، وبادغیس، وازطرف غرب با ولایات هرات وفراه، از طرف جنوب وجنوب شرق با ولایات هلمندوارزگان ، ازطرف شرق با ولایات بامیان ودایکندی احاطه شده است .

مساحت غور 38800 کیلومتر مربع میباشد که شاهراه کابل – هرات از ولایت مرکزی(غور) عبور میکند ، که غور رابا دیگر ولایات کابل وهرات وصل میکند . فاصله راه کابل – فروزکوه 490 کیلومتر و فاصله راه هرات – فروزکوه 400 کیلومتر است . که این ولایت دارای 10 واحد اداری میباشد . که یکی ازواحد های آن ولسوالی لعل وسرجنگل میباشد .

معرفی ولسوالی لعل وسرجنگل :

بزرگترین ولسوالی در ولایت غور میباشد ..

این ولسوالی ازطرف شمال با ولسوالی بلخاب ولایت سرپل ، وازطرف غرب با ولسوالی دولتیار ولایت غور ، واز طرف جنوب غرب با ولسوالی سنگ تخت وبندر ولایت دایکندی ، از طرف جنوب به ولسوالی اشترلی ولایت دایکندی ، از طرف جنوب شرق به ولسوالی پنجاب ولایت بامیان ، از طرف شرق وشمال شرق باولسوالی یکاولنگ ولایت بامیان محدود شده است .

درقدیم ولسوالی لعل وسرجنگل یک منطقه بود وجز ولسوالی پنجاب ولایت بامیان محسوب میشد ولی درسال های 1350 – 1360 به عنوان ولسوالی معرفی گردید . این منطقه یکی از سرد ترین نقاط کشور به حساب میآید ودارای کوهای بلند وزیبا میباشد. ودر حدود 4-5 ماه سطح این ولسوالی پوشیده از برف میباشد .

رود هریرود که یکی از رودهای معروف افغانستان است، از این ناحیه سرچشمه میگردد . یک شعبه آن از دره لعل وشعبه بزرگتر آن از دره سرجنگل سر چشمه گرفته واین دوشعبه در ناحیه به نام (شینیه چراغان) به هم وصل شده ورود هریرود را تشکیل میدهد .

طبق سرشماری موسسه OXFAM آکسفام دراین سالهای اخیر انجام داده ، جمعیت این ولسوالی بیش از 160 هزار نفوس میباشد،که بیش از 500 قریه دراین ولسوالی وجود دارد ، و مرکز ولسوالی دربازار لعل میباشد.

وجه تسمیه ولسوالی لعل وسرجنگل :

در قسمت وجه تسمیه لعل وسرجنگل نویسنده ای کتاب سیری در هزاره جات میگوید "

وجه تسمیه لعل این است که درقدیم ازاین ساحه "لعل " استخراج میکردند وطبق آثار کندن کاری های در مرکز لعل ،دشت سیاچشمه وکرمان دیده میشود . که خود نمایان گر این مدعا است در قسمت سر جنگل این دیدگاه وجود دارد که دراین منطقه جنگل های خود رو وجود داشته از همین لحاظ سر جنگل میگویند .

### حکوت آقای کرزی

**کهرحمت ابراهمی محصل سال سوم دانشگاه بامیان**
حامد کرزی به بی شرمترین رییس جمهور دنیا نامش ماندگار خواهد ماند خیزید که دزدان درو دروازه ره بردند دروازه وهم قلفک دروازه ره بردند نه رحم به زنده بنمودن نه به مرده در وقت نماز موثر جنازه ره بردند چون حمله به کارخانهٔ مردم بنمودن از دیگ بخاربامیهٔ تازه ره بردند.....با گذشت کم وبیش از یک دهه ریاست جمهوری حکومت حامد کرزی ، فعالیت های شان جنبه مثبت ومنفی را در برمی گیرد؛ که از آنجمله نقاط منفی این رییس جمهور نسبت به زوایای مثبت شان زیاد است.
1-برادر خواندن دشمنان ملت حتا دشمن خودش هر چند رییس جمهور کرزی بار ها این واژه را تکرارکرد، اما از جانب مقابل همیشه پاسخ منفی در یافت می کرد. هیچ فردی بشر تاکنون دشمن خود یعنی طالبان را تاکنون برادر خطاب نکرده و نخواهد کرد؛ ولی کرزی اینها را گرم به آغوش می گرفت ، حتا منجر به کشته شدن برادرش عبدالولی کرزی گردید. شاید بعضی ها چنین پندارند: که طالبان عامل این قضیه نبوده؛اما هیچ گروه یافرد دیگری چنین عمل ناشایست را انجام نمی دهد.
2-نادیده گرفتن حق مسلم مردم مناطق مرکزی(سرک کابل-هرات) در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری کرزی به رهبر فرزانه هزاره ها وعده سپرد که من اگر برنده اعلام شوم؛ این کار در اولویت کاری ماست به شرطی مردم برایم اعتماد نماید، ده ها تن متخصصان سرک را در ساحه استخدام کرد تا نقشه کشی صورت گیرد ودر آینده نزدیک کارها عملی شود. که همه اش وعدهٔ بیش نبود وهرگز جامهٔ عمل نپوشید.
3-کابل بانک : دست داشتن شخص اول به این قضیه ، که افغانستان توانست لقب فاسد ترین کشور های دنیا را از آن خود کند.امروزه بیشتر به همگی هویداست.

**یاد داشت:** ازآنجایی که جو فرهنگی وادبی تازه درلعل وسرجنگل بهبود می یابد؛ ماهنامه اظهار برای تشویق خوانندگان و علاقه مندانش صفحه‌ی"آشنایی بادوستان" را گشوده است. نوشته‌ها و نامه‌های دوستان رادر بخش"آشنایی بادوستان" در هر حد از معیار های نگارش که باشد نشر می کند و امید است دوستان نیز دیدگاه‌های ماهنامه اظهار را در نظر داشته باشند.

## آشنایی با دوستان

**خلاصه داستان غدیر خم:**

درسال دهم هجری پیغمبر اکرم (ص)از مدینه حرکت و بمنظور ادای مناسک حج عازم مکه گردید،تعداد مسلمین راکه دراین سفر همراه پیغمبر بودند مختلف نوشته اند.برخی گفته اند تایک صدوبیست هزارنفر دررکاب پیغمبربوده ودرانجام مراسم این حج که به حجت الوداع مشهوراست شرکت داشتند.نبی اکرم (ص)پس ازانجام مراسم حج و مراجعت ازمکه به سوی مدینه روز هجدهم ذیحجه درسرمزینی بنام غدیر خم توقف فرمودند زیرا امر مهمی ازجانب خداوندبه حضرتش وحی شده بودکه بایستی به عموم مردم آنرا ابلاغ نمایی وآن ولایت وخلافت علی علیه السلام بود

که بنا به مفاد ومضمون آیه شریفه زیر رسول خدا مأمور تبلیغ آن بود: (ای پیغمبر آنچه که ازجانب پروردگار به تو نازل شده اندبه مردم برسان واگر این کاررا نکنی رسالت اورا نرسانده ای و)بیم مدارکه خداوند تراازشرمردم نگهمیدارند.پیغمبراسلام (ص)ودستورادهمه حجاج درآنجا اجتماع نمایدومنتظرشدندتاقلب مانده گان برسندوجلو رفته گان نیزبازگردند.مگرچه خیراست؟ هرکسی ازدیگری مپرسید چه شده است که رسول خدا(ص)ماردرین گرمای طاقت فرسا ودروسط بیابان ویی آب وعلف نگهداشته وامر به تجمع فرموده است؟ زمین به قدری

گرم وسوزان بودکه بعضی هاپای خودرادردامن پیچیده درسایه شترهانشسته بودند. بالاخره انتظاربه پایان رسید وپس ازاجتماع حجاج ، رسول اکرم (ص)دستورداد ازجهازشترمنبرترتیب دادند وخود بالای منبر رفت که درمحل مرتفعی بایستند تاهمه اورابیندوصدایش رابشنود وعلی (ع)رانیز طرف راست خود نگهداشت وپس ازایراد خطبه وتوصیه درباره ای قران وعترت خودفرمود آیامن به مومنین ازخودیشان

به اولی به تصرف آیامن به مومنین ازخودیشان به اولی به تصرف نیستم؟ عرض کردند بلی،فرمود من مولا هرکه هستم علی هم مولای اوست،خدایا دوست اورادوست بدار ودشمنش رادشمن بدار،هرکه اورانصرت کندکمکش کن وهرکه اورا واگذارذد خوار وزبوش بدار. پس ازان دستوردادکه مسلمین دسته دسته خدمت آن حضرت که داخل خیمه ای دربرابری خیمه پیغمبر(ص)نشسته بود رسیده ومقام ولایت وجانشینی رسول خداراتبریک گویند وبه عنوان امارت بر او سلام کنند وبدین ترتیب پیغمبر(ص)علی (ع)را به جانشینی خود منصوب نموده ودستورداد که این مطلب را حاضرین به غایبین برسانند. روزغدیرخم مسلمین راپیغمبرشان صدازدوبا چه صدای رسائی ندا فرمود که(همگی شنیدید)وفرمود فرمانروا وصاحب اختیارشماکیست؟همگی بدون اظهاراختلاف عرض کردند که:خدای تومولا فرمانروای ماست وتوصاحب اختیاریامنی.پس به علی(ع)فرمودیاعلی برخیزکه من ترا برای امامت وهدایت مردم بعد خود برگزیدم.وآنجا دعا کرد که خدایا دوستان علی را دوست بداروبا کسی که با علی(ع)دشمنی کند دشمن باش.

**کھ. ابراهم آرین**



احمد "تنها" محصل سال سوم دانشگاه جوزجان  
مگو دگر چه گفت

قاصد آمد گفتمش: آن ماه سمین بر چه گفت؟

گفت: باهجرم بسازد، گفتمش دیگر چه گفت؟

گفت: دیگر پرا زحده خویش نگذارد برون

گفتمش: جمع است از پیا خاطر م از سر چه گفت؟

گفت: سر رابایدش از خاک ره کمتر شمرد

گفتمش: کمتر شمردن زین تن لاغر چه گفت؟

گفت: جسم لاغرش را از تعب خواهیم سوخت

گفتمش: من سوختم در باب خاکستر چه گفت؟

گفت: خاکستر چو گردد خواهش بر باد داد

گفتمش: بر باد رفته در صف محشر چه گفت؟

گفت: در محشر به یکدم زنده اش خواهیم کرد

گفتمش: من زنده گردیدم ز خیر و شر چه گفت؟

گفت: خیر و شر نباشد عاشقان را در حساب

گفتمش: این است احسان وزان کوثر چه گفت؟

گفت: بامابر لب کوثر نشیند عاقبت

گفتمش: چون عاقبت این است زین خوشتر چه گفت؟

گفت: دیگر نگذرد در خاطر م یاد (تنها)

گفتمش: دیگر بگو گفتا: مگو دیگر چه گفت؟

تخیل

قربانعلی مهاجر

زندگی زیباست اما مختصر باید بگم

میشه الهام و تخیل، بی خبر باید بگم

می شوم راحت، زمانی راکه همراه توام

شعله آتش شوم و شعله و رو باید بگم

ذهن احساس دلم، این زندگی را خوب خواند

این پیام ذهنه وقت سفر باید بگم

رقصه دارند ز غلظت لابلای ذهن من

دانه دانه پیش تو، در پشت در باید بگم

داستانی دختر احساس من تکمیل هست

بانودر آغوش عشق، یک پسر باید بگم

جنگل رویای من، گم کرده گنجشکان خود

هست در جان کندن وی بال و پر باید بگم

مریم وای مریمک صدخنده اندر زندگی

ورنه پیش خسته گان، بار دگر باید بگم

و تغییرات جسمی و روانی روبه رو گردد و با آرامش و اطمینان قدم به عرصه اجتماع گذارد.

ارتباط عاطفی با فرزند موجب می شود که وی با والدین خویش صمیمی باشد، به آنان اعتماد کند و آنان را پناهگاه خویش در بحران های زندگی بداند. خداوند در قرآن کریم، خطاب به پیامبرش می فرماید: «به خاطر رحمت خدا بود که تو با آنان ارتباط صمیمی و مهرآمیزی پیدا کردی، اگر خشن بودی، هیچ کس دور تو جمع نمی شد.» امام باقر(ع) در این باره می فرماید: «بدترین پدر کسی است که در نیکی از حد اعتدال خارج شود و به زیاده روی بگراید و بدترین فرزندان فرزندی است که در اثر کوتاهی، به عاق والدین دچار شود.» پرخطرترین عمل خشونت در خانواده است که باعث بوجود آمدن یک نسل خشین در همان فامیل و جامعه میشود، که این نسل خشین صدمه شدیدی بر پیگیری همان خانواده و جامعه خواهد زد که مسولیت آن بدوش والدینی که خشونت را در خانواده بوجود آورده می باشد.

### 3- رعایت عدالت و مساوات بین فرزندان:

از جمله وظایف تربیتی والدین اجرای عدالت میان فرزندان است. کودک انتظار دارد که پدر و مادر در زندگی با وی به عدالت رفتار کنند و از هرگونه تبعیض و تفاوت نا به جا در مورد فرزندان پرهیز کنند. عدم توجه به عدالت و تبعیض و مقایسه کودکان با یکدیگر، تأثیر فراوانی بر سلامت روانی کودکان می گذارد و موجب ناآرامی، انحراف اخلاقی، احساس بدبینی و حسادت و انتقام در کودک می شود. در آموزه های اسلامی بر رعایت عدالت و مساوات در برخورد عاطفی با فرزندان تأکید و سفارش فراوان شده است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: میان فرزندان عدالت را رعایت کنید، چنان که دوست دارید آنان در احسان و لطف به شما به عدالت رفتار کنند.»

### 4- ازدواج به موقع

ازدواج گامی محکم و مقدس برای تشکیل نهاد خانواده است که مایه آرامش زن و مرد می باشد و سبب کرامت و شرافت انسان می شود. نقش والدین در این زمینه و برای پیشگیری از انحرافات اخلاقی جوانان، نقش مهم و اساسی است. آنها می توانند با اقدام به موقع برای ازدواج فرزندانشان زمینه مناسب و لازم را فراهم کرده و به مسولیت دینی و اخلاقی خود در برابر فرزندان، عمل کنند.

## بازی

محمد حسن سعادت

بزن سازی که آسان باشه بازی

سیاست ساز میدان باشه بازی

تمامش گرد هم آید به نیرنگ

که سر گرمی غلامان باشه بازی

نباشد پیشه دیگر در اینجا

فقط از این و از آن باشه بازی

نمیخشد ثمر هر سو دویند

که باید از دل و جان باشه بازی

شعار در قالب خدمت دروغ است

برای لقمه ای نان باشه بازی

فعلی افغانستان به اشکال مختلف از جانب دشمنان رنگارنگ داخلی و خارجی، بر علیه مردم ما و دیگر مردم این منطقه آسیا مورد استفاده قرار گرفته اند که یادآوری با تفصیل هر یک از آنها حایز ارزش و اهمیت تاریخی خود میباشد، ولی در اینجا فقط به یاد آوری آن بخشی از بازی های قبیلوی و کوچی بازی بسنده مینمائیم که مربوط میشود به ایجاد دولت فعلی افغانستان ، با پیدایش غیر مترقبه دولت سدوزانی تحت زعامت احمد خان ابدالی و دوره های سپاه زمامداری بارکزیای ها و مجد زانی ها تا امروز که وضع فلاکتبار دیروز و امروز این سر زمین محصول کار و زار ایشان است. تا باشد با افشای ماهیت خائنانه و جنایتکارانه این بازی ها و بازی گران در گذشته و امروز ، از ماهیت کنونی این بازی، درین مرحله حساس تاریخ کشور خود پرده برداری نموده و از تداوم این فاجعه در آینده کشور جلوگیری کرده بتواند.

### محمد حسن سعادت

## اهمیت تربیت خانواده در قرآن و حدیث

### بهر نعمت الله همدرد

خداوند متعال در سوره فرقان یکی از ویژگی های بندگان راستین را توجه خاص به تربیت فرزند و خانواده خویش می داند تا آن جا که آنها برای خود در برابر آنها احساس مسئولیت فوق العاده ای می کنند چنان که می فرماید: «آنها پیوسته از درگاه خدا می خواهند و می گویند پروردگارا از همسران و فرزندان ما کسانی قرار ده که مایه روشنی چشم ما گردد» نگهداری خویشان به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است. در حدیثی می خوانیم: هنگامی که آیه فوق نازل شد، کسی از یاران پیامبر(ص) سؤال کرد: چگونه خانواده خود را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ حضرت(ص) فرمود: آن ها را امر به معروف و نهی از منکر می کنی، اگر از تو پذیرفتند آنها را از آتش دوزخ حفظ کرده ای، و اگر نپذیرفتند وظیفه خود را انجام داده ای» همچنین امام سجاد(ع) در رساله حقوق خود با اشاره به این موضوع، تربیت نیکو و کمک برای ایجاد رفتار صحیح در فرزندان را از وظایف والدین برشمرده و فرموده است: «و اما حق فرزندان آن است که بدانی او از توست و خیر و شر او در همین دنیا به تو نسبت داده می شود و تو نسبت به تربیت شایسته او و راهنمایی اش به سمت و سوی خدا و کمک به خداپرستی اش، مسئولی و در این مورد، پاداش یاکبفر داده خواهی شد. پس در کار تربیت فرزند، چنان رفتار کن که اگر در این دنیا آثار خوب داشت، مایه آراستگی و زینت تو باشد و با رسیدگی شایسته ای که نسبت به او داشته ای، نزد پروردگارت عذر و حجت داشته باشی!»

### وظایف تربیتی والدین

#### 1- انتخاب نام شایسته:

انتخاب نام خوب برای کودک امری بسیار مهم و حساس است که تأثیر زیادی بر شخصیت و روح و روان او دارد، نام زیبا و شایسته، نماد هویت و شخصیت آینده هر فرد و مایه افتخار و مباهات وی خواهد بود. رسول خدا(ص) انتخاب نام نیک را از حقوق فرزند بر گردن پدر می دانست و می فرماید: «فرزندانان را به نام انبیا اسم گذاری کنید.»

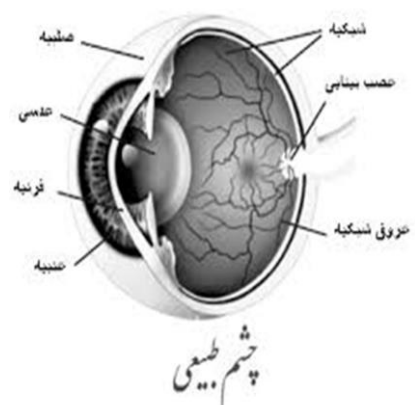
#### 2- مهر و محبت:

محبت اساس موفقیت خانواده و از مؤثرترین روش های تربیتی است که در فرهنگ اسلامی به آن توجه خاصی شده. اسلام دستور داده که پدر و مادر باید براساس محبت فرزندان را تربیت کنند. چنان که پیامبرگرامی اسلام(ص) نیز می فرماید: کودکان را دوست بدارید و نسبت به آنها مهربان باشید.» کودک بیش از هر کس تشنه محبت والدین خود می باشد. کودکی که در کانون مهر و محبت والدین خود پرورش یافته است دارای آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین، الگوگیری در مهرورزی به دیگران و پیشگیری از انحرافات است، و بهتر می تواند با مشکلات و حوادث سهمگین دوران بلوغ...

ادامه از صفحه اول... تکامل پذیری و قابلیت های دگرگون سازی زندگانی روزمره، توسط خود آنها مرتبط است، که با تأثیر پذیری و تجربه اندوزی از پروسه حیات خود و دیگران بدن ها نایل میشوند. یعنی اینکه زندگی کوچی گری، در حکم یک اجبار در یک مرحله معینی از زندگی انسانهاست نه خصوصیت مادام العمر، در زندگی یک گروه و یا طایفه خاص، که ضرورتاً باید است بعد از طی مدتی، در رابطه با ضرورت تحول پسندی و تکامل پذیری انسان ها، دچار دگرگونی و تکامل گردیده و متروک گردد. اما برعکس، مطالعه تاریخ افغانستان نشان میدهد که، حفظ اساسات کوچیگری، در نزد قبایل حاکم یک مسأله مقدس قبیلوی بوده، و این پروسه مقدس سازی استحماری تا آنجا به پیش میرود که، حیات مسخره خانه بدوشی و رقتبار کوچی های مظلوم و بیگانه باماهیت حقیقی زندگی، به سوژه شاعران و نویسندگان استحماری، باگرافه گویی های دور از منطق و تعقل مبدل گردیده، و وسیله گردیده است، در جهت به زنجیر کشیدن بهتر و بیشتر این سیه روزان، در جال فقر جهل و عقب ماندگی، تا سرحد سقوط ایشان به موجودات انسانواره ماقبل تاریخ!! این خود بزرگترین جنایت در تاریخ بشر است، که بدترین شیوه برده سازی انسان بالوسيله انسان را، با داعیه های دوستی و خون شریکی، به نمایش گذاشته، و عملی میسازد، که اکنون به یک عنعنۀ فاسد دایمی در حیات کوچی های کشور ما مبدل گردیده است!!! چنانچه کوچیهای امروزی در افغانستان، با تلقینات غیر منطقی و غیر عقلانی تحمیق کنندگان تاریخی وابسته به قوم و تبار خویش، به سوی استحمار و تحمیق کشانیده میشوند، و بی خبر از آن اند که زیستن و باقی ماندن ابدی در قید این چنین یک زندگی نکبت بار، جز مایه شرمساری و بدبختی چیزی بیش نیست! و مشوقین فرهنگی این نوع حیات، خودبه قبول یک لحظه آنهم حاضر نمیشاندند، که کوچیها همه عمر خود را در آن میگذرانند، و با مصاب شدن به این مصیبت بزرگ کلیه پیوند های عقلانی زندگی را نسبت به جوامع دیگر انسانی از دست داده و محکوم به زیستن در یک دور بسته تکراری زندگی با محرومیت از کلیه مزایای زندگی انسانی گردیده اند. کوچی دشمن آشتی ناپذیر تمدن و انسان متمدن است و هر آن چیزی که از قدرت فهم او بالاتر باشد، آنرا باشمشیر کفر و دینی که خود او هم از واقعیت آن بی خبر است ترور و تکفیر مینماید، زیرا به همان اندازه که از تمدن انسانی بیگانه است از دین نیز برداشت ناقص و جاهلانه دارد. بنیاء برداشت کوچی ها از دین نیز فهم و برداشت قبیلوی و ماقبل اسلام است. مفاهیم و ارزش های پذیرفته شده جوامع متمدن انسانی برای آنها فاقد معنی و ارزش واقعی میباشد. در دنیای معاصر موجودیت این پدیده ضد تمدن بشری یعنی زندگی کوچی گری تقریباً از میان رفته و صرف در بعضی از مناطق شدیداً عقب مانده قاره های آسیا و آفریقا هنوز هم به موجودیت خود ادامه میدهد که نمونه های بزرگ آن همین کوچی های افغانستانی و پاکستانی در آسیا، و بعضی طوائف هنوز هم وحشی در جنگل های آفریقا و امریکای جنوبی میباشد، البته کولی های موجود در اروپای شرقی، و روسیه را نیز میتوان بدانها علاوه نمود، که تعداد آنها هم روز تاروز در حال کاهش و هر کشوری هم در تلاش آن است که به این پدیده ماقبل تاریخ اگر در حدود اربعه آن موجود باشد با یافتن راه های علاج منطقی و معقول خاتمه داده و جامعه خود را از شر این سمبول جهل و عقب ماندگی در عصر حاضر نجات دهد. اما یگانگی کشوری که هرگز نمی خواهد با دعوت این موجودات ماقبل تاریخ به زندگی متعادل انسانی، و متناسب با شرایط زندگی امروز، به آنها خدمتی نموده و ایشان را وارد حوزه تمدن بشری نماید کشور افغانستان در تحت زعامت و اداره قبیله سالاران حاکم، در دو طرف خط دیورند است، که در مانور های مختلف سیاسی و اقتصادی خود در جهت نیل به اهداف و مقاصد شونیستی، در مقابله با دیگر اقوام و ملیت های ساکن این سر زمین از وجود ایشان استفاده مینمایند. این پدیده شوم حیثیت زخم ناسوری را بر پیکر زخمی و هزار پاره کشور ما دارد، که دشمنان داخلی و خارجی مردم و میهن ما، در مراحل مختلفه تاریخ، به اشکال متفاوت از آن استفاده نموده و هنوز هم به آن ادامه میدهند. چنانچه ما امروز، باز هم شاهدان هستیم که دلالان بازار مکاره استحمار و استبداد قبیله، سعی در مشتعل نگهداری آتش کوچی بازی داشته، و با گسیل سیل آسای ایشان به مناطق مسکونی هزاره ها، از بیکیها، ترکمنها، ایماق ها و غیره تلاش دارند، که آرزو های انسانی مردم مارادر جهت سیر، به سوب یک زندگی انسانی و رهانی از منجلا ب بدبختی های رسوب یافته و باز مانده، از سپاه ترین دور قهرانی تاریخ کشور، و رهیابی به یک زندگی متعادل، مورد دستبرد و نابودی قرار داده و به این مزرع نفاق و بدبختی مانع از تابیدن خورشید سعادت و آزادی برای همیشه شوند. تاریخ سرزمین ما گواه بر آن است که اقوام کوچی در مراحل مختلف موجودیت کشور فعلی...

### Radiation Retinopathy

آفات شبکیه (طبقه عصبی چشم) ناشی از  
تطبيق شعاع



چشم طبیعی

پیش گیری را مقدم تر از درمان بداریم (وقایه بهتر از  
تداوی است).

نامنی، افزایش فقر و بیکاری، خشونت های خانوادگی،  
بازگشت مهاجرین افغانستان از کشورهای همسایه،  
دسترسی آسان به مواد مخدر و کمبود مراکز درمانی  
معتادین از جمله عواملی هستند که منجر به افزایش  
تعداد معتادین از سال 1381 تا بدین سو شده است. به  
باور آگاهان تا زمانی که فساد در دستگاه های دولتی  
وجود داشته باشد و عاملان فساد در مصونیت قضایی و  
حقوقی باشند و همچنین تا زمانی که اقتدار سیاسی  
دولت در ولایات توسعه نیابد و نوعی همکاری سازنده و  
پایدار میان مردم و دولت بوجود نیاید، روند رشد مواد  
مخدر و ازدیاد معتادین در کشور ادامه می یابد.

یکی از دلایل ورود نیروهای جهانی به کشور، مبارزه با  
تروریسم و مواد مخدر بوده است که در این رابطه هیچ  
دست آورد ندارد، بلکه کشت و تولید مواد مخدر افزایش  
یافته است. به گزارش وزارت مبارزه با مواد مخدر  
افغانستان، در مورد عوامل تولید مواد مخدر در این  
کشور، با رسانه ها در میان گذاشته می توان گفت که،  
معتادان به مواد مخدر در یک سال گذشته به ارزش  
چهارده میلیارد و پنجاه میلیون افغانی که معادل ۳۰۰  
میلیون دلار آمریکایی می باشد، مواد مخدر خریداری  
کرده اند. تعداد معتادان افغانستان حدود ۱.۶ میلیون نفر  
برآورد شده که ۵.۳ درصد جمعیت این کشور تشکیل  
می دهد و نشان دهنده یکی از بلندترین آمارهای اعتیاد  
در جهان است. برای مبارزه با این مساله می توان  
مدیریت را تغییر داد. باید مدیریت بحران را از منفی به  
مثبت تبدیل کرد. با طرز العمل های موجود این معضل  
از بین نرفته است. دولت و رییس جمهور مکلف هستند  
که بخشی از برنامه های شان را به چگونگی مبارزه با  
مواد مخدر اختصاص دهند. برای پیشگیری از اعتیاد به  
مواد مخدر دولت باید برنامه های آموزشی و آگاهی  
دهی را از طریق مکاتب و پوهنتون ها روی دست بگیرد.  
همچنین خانواده ها در جلوگیری از اعتیاد شدن نو  
جوانان و جوانان نقش موثر و کلیدی دارند. مبارزه با  
محو کوکنار شدنی است، می توان با مدیریت مثبت  
کشت کوکنار را کاهش داد و در نتیجه به حداقل  
رسانید. به امید روزیکه در کشور عزیزما هیچ شخص  
معتاد به مواد مخدر نباشد و اگر هم باشد به فکر تداوی  
و درمان باشد.

مهدی عزیزاده محصل سال دوم  
حقوق.

### اعتیاد ؛ درد پنهان افغانستان



مسئله اعتیاد به مواد افیونی و مخدر از جمله موضوعاتی  
است که بشریت را در معرض خطر جدی قرار داده و  
امروزه اکثر کشورهای جهان به نحوی از انحاء با این آفت  
اجتماعی مواجه می باشند. اعتیاد بیماری اجتماعی است  
که عوارض جسمی، روانی و اقتصادی زیاد دارد. تا زمانیکه  
به علل گرایش بیمار توجه نشود درمان جسمی و روانی  
فقط باری مدتی محدود نتیجه بخش خواهد بود و فرد  
معتاد دوباره گرفتار مواد اعتیاد آور می گردد. اعتیاد به  
مواد مخدر یکی از مهمترین مشکلات  
اجتماعی، بهداشتی، اقتصادی و ... است که عوارض ناشی از  
آن تهدیدی جدی برای جامعه بشری محسوب شده و  
موجب رکورد اجتماعی در زمینه های مختلف می  
گردد. همچنان آثار که از اعتیاد ناشی می شود زمینه ساز  
سقوط ارزش های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و خانوادگی  
می گردد و به همین خاطر نظم و سلامت جامعه را به  
طور جدی به خطر انداخته است. پدیده شوم قاچاق مواد  
مخدر پیش از آنکه تجارت پردرآمدی برای مافیای  
اقتصادی افغانستان و بین الملل باشد، یک ابزار کار آمد و  
موثر در گسترش نظام سلطه صاحبان قدرت جهان  
بر کشورهای توسعه نیافته است. تهاجم نفوذ فرهنگی و  
پدیده مواد مخدر مهم ترین عوامل به تباهی کشیدن و  
انحطاط اخلاقی جوامع به شمار می رود. متأسفانه گسترش  
دامنه مصرف مواد مخدر در جامعه امروزی به اندازه شده  
که حتی قشر جوان و تحصیل کرده را نیز به سمت خود  
کشانیده است. اعتیاد به عنوان یک آسیب اجتماعی هیچ  
گاهی به طور کلی ریشه کن نخواهد شد، اما با تدبیر و  
اندیشه تلاش حد اقل می توان آنرا به کنترل در آورد. در  
این راستا تلاش ما بر این است تا با ارتقا سطح آگاهی  
اقتدار مختلف جامعه از این پدیده خطرناک پیشگیری...

2 : درمیرضمان متاثر که باعث آفت فوق الذکر  
میتواند همچنان کترکت (پرده چشم)  
keratopathy (آفات قرنیه چشم) عرض اندام  
نماید .

Presentation یا تاسس آفت از نقطه نظر زمانی  
نزد مریض :

مصافه زمانی بین تطبيق شعاع یا مواجه شدن با  
شعاع و بوجود آمدن مرض در هر شخص مصاب  
غرق کرده و غیر قابل پیشبینی میباشد .

هر چندیکه دربین 6 ماه الی 3 سال میتواند بوقوع  
بپیوندد .

Sings یا علایم آن : الف : انسداد عروق شعریه به  
شکل متلاشی و مایکرو انوریزم که در معاینه  
فلورسین آنجیوگرافی به وضاحت قابل مشاهده  
میشود .

ب : اذیما شبکیه و موجودیت اگزودات و خونریزی در  
آن همچنان صدمه پذیری به راس عصب بصری  
(عصب بینایی) .

Treatment یا تداوی :

تداوی آن مربوط یک مرکز فوق تخصصی بوده که  
قرار ذیل میباشد :

الف : تطبيق لیزر : جهت آفت راس عصب بصری  
توصیه مستروید مستیمک و برای اذیما ماکولا  
Triamcinolone زراقی داخل خلط ذجاجی  
صورت میگیرد .

Prognosis یا انداز : وابسته گی به شدت آفت  
دارد ، صدمه پذیری راس عصب بصری و آفت  
شبکیه به شکل Proliferative انداز خراب را  
برملا میسازد . که منجر به انفصال شبکیه به شکل  
Tractional میگردد .

نتیجه گیری : در اشخاصیکه بعد از بروزیکتعداد  
آفات که وابسته به سیوس و جوف اوربیت یا آفات  
طرق انفی و بلعومی تطبيق شعاع صورت میگیرد  
وبعد از مدتی کاهش دید نزد شان به وجود میآید  
هرچه زودتر به داکتر چشم مراجعه نمایند تا باشد  
عندالموقع تدابیر لازمه فوقاً ذکر شده اتخاذ گردد .

دکتر عبدالودود "وهاب" ترینر متخصص امراض  
چشم در شفاخانه نور دارالامان

این آفت عموماً ناشی از تطبيق  
brachytherapy غرض تداوی تومورهای  
داخل چشمی ویا تطبيق شعاع به پیمانده وسیع  
در سینوس ها ، جوف اوربیت ویا طرق بلعومی  
تاسس مینماید .

علایم تشخیصیه این آفت عبارتند از :

1: تظاهرات موخر micro vascular (اوعیه  
کوچک ) که برحسب ذیل میباشد :

الف : که دراوعیه کوچک فوق الذکر  
Endothelial cell loos (ضیاع حجرات که  
در قسمت داخل اوعیه کوچک رامیسازد) به  
مشاهده میرسد .

ب : Capillary occlusion (انسداد عروق  
شعریه)

ج : Micro aneurysm (قوس موضعی  
شراین کوچک در نقاط ضعیفه قبلاً تاسس  
شده) تظاهرات فوق الذکر وعایی مشکل  
مریضان Diabetic retinopathy (آفت  
شبکیه ناشی از مرض دیابیت یا شکر) از اثر  
بعضی فکتورها مثل حاملگی از نظر شدت  
میتواند سیر سریعتر را بخود بگیرد .

فقط «حرف اول»  
دیدگاه ماهنامه  
اظهرمی باشد و در  
ویرایش نوشته ها  
دست باز دارد.

مراکز پخش:  
-کابل: انتشارات عرفان چهار راهی شهید  
- غزنی: مدیریت عمومی جوانان  
- غور: ریاست کمیسیون مستقل انتخابات  
- غور: بازار لعل مقر سازمان بالاتر از چشمه عقب بازار  
- بامیان: سرای حاجی نجیب کنار موسسه آغا خان

نمایندگان ماهنامه اظهر  
-کابل: محمدحسن سعادت  
-هرات: محمد امین مددی  
-لعل: محمد امین رسا  
-بامیان: حبیب محمدی  
-غزنی: رحمت الله لایق

سردبیر: حسین فایز صمیمی  
شماره تماس: 0794885868  
مسؤول بازار بابی و توزیع: حسن سیامک  
گزارشگران: ابراهم آرین و کیمیا حیدری  
طراح و صفحه آرا: نعمت الله همدرد  
ایمیل آدرس: acsolal2014@gmail.com

صاحب امتیاز: سازمان فرهنگی واجتماعی  
اظهر "شعبه غور"  
مدیر مسوول: قربانعلی مهاجر  
شماره تماس: 0778926841  
معاون مدیر مسوول: محمدحسن سعادت  
شماره تماس: 0773211441